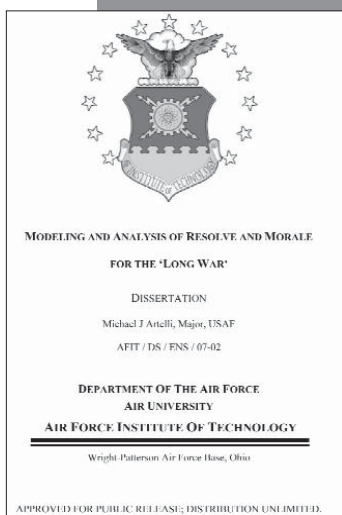


مدل سازی و تجزیه تحلیل روحیه نظامی در جنگ بلند مدت

مؤلف: اثر مایکل آر تلی

معرفی: دکتر حیدرعلی بلوجی

Michael J Artelli, MODELING AND ANALYSIS OF RESOLVE AND MORALE FOR THE 'LONG WAR' DEPARTMENT OF THE AIR FORCE AIR UNIVERSITY AIR FORCE INSTITUTE OF TECHNOLOGY (NY: AFIT, 2007) pp. 273.



اعضای گروه، نشانگر روحیه بالا می باشد.

در طول تاریخ، توجه به روحیه به مثابه یک اصل مسلم برای هر استراتژی جنگی، مطرح بوده است. از اوان پیدایش هنر و علم فرماندهی

جنگ و نیروهای نظامی، از آثار سون تزو، استراتژیست معروف چین باستان تاکنون، نقش و تأثیر آن در جنگ ها بسیار چشمگیر بوده است. بدیهی است پیشرفت علم و تکنولوژی مثل تمام زمینه ها بر کم و کیف هدایت و اداره روحیه نظامی نیز تأثیر گذار بوده است و البته به تبع آن نیز آثار مختلف زیادی تولید و منتشر شده است.

اثر حاضر یکی از آثار برجسته ای است که توسط مایکل آر تلی، یک نظامی حرفه ای و از افسران کادر نیروی هوایی آمریکا در دانشگاه

مقدمه

تلاش برای رسیدن به پیروزی در جنگ از یک طرف و تحمیل شکست به دیگری، تا حدود بسیار زیادی مرهون توجه به روحیه نظامی است. به عبارت دیگر، در حالی که یک فرمانده نظامی روحیه نیروهای تحت امر خود را برای رسیدن به هدف تقویت می کند، فرماندهی جنگ ایجاب می کند برای تسهیل و هموارسازی رسیدن به هدف روحیه نیروهای دشمن نیز تضعیف گردد. روحیه عبارت از یک حالت روانی و هیجانی است که در این حالت فرد دارای احساس امیدواری و اطمینان برای رسیدن به هدف است. همچنین، روحیه باعث تقویت توانایی انجام کار در شرایط و اوضاع دشوار با یک ظرفیت محدود می گردد. به طور کلی، داشتن اطمینان، عزم راسخ، ثبات اراده و فدا کردن خواسته های شخصی در برابر وظایفی که از افراد خواسته می شود، ایمان به فرماندهان، اعتقاد به پیروزی، احساس سهیم بودن در ثمره کار گروهی و وفاداری نسبت به دیگر

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

معمول هر پایان نامه فصل اول به طرح تحقیق اختصاص دارد، در کتاب حاضر فصل اول به بیان مسأله و سؤال اصلی و بررسی ادبیات موجود و طرح ایده اصلی اختصاص داده شده است. علاوه بر این، در چاپ و انتشار پایان نامه، گویا این فصل دست نخورده باقی مانده و به شکل فصول مقدماتی کتاب های آکادمیک در نیامده است.

در فصل بعدی، نویسنده لزوم توجه به روحیه در جنگ های نامتقارن را تأکید می کند. از نظر وی، تاکتیک ها و استراتژی های جنگی کنونی بازمانده نظریات زمان جنگ سرد می باشند. تحولات جدید باعث توجه به ایده جنگ نامتقارن از سوی کشورها شده است، از این رو امریکا نیز باید این موضوع را به خوبی مد نظر قرار داده و از ابعاد مختلف و از جمله روحیه نظامی برای پیروزی در چنین جنگ هایی آماده باشد.

موضوع فصل سوم، اصول جنگ های نسل چهارم به عنوان آخرین نوع جنگ است. جنگ های نسل چهارم، ادامه و نوع تکامل یافته جنگ های قبلی بر اساس تغییرات جدیدی است که در تاکتیک، تکنولوژی و افراد درگیر حاصل شده است. نمونه عینی این جنگ ها، درگیری های جاری در افغانستان و عراق و به طور کلی موارد مقابله با تروریسم در سطح جهان می باشد. لازم به ذکر است که اصول حاکم بر جنگ های نسل چهارم با اصول حاکم با نبردهای مشترک مشابهت بسیار زیادی دارد. نویسنده در این فصل تلاش کرده مسأله مشروعیت درگیری و تأثیر دیدگاه و

نیروی هوایی این کشور، در سال ۲۰۰۷ و در قالب پایان نامه دانشجویی به نگارش درآمده و متعاقب آن بخشی از متن قابل انتشار این پایان نامه با تأیید سازمان های ذیربط، چاپ و منتشر شده است. این کتاب دارای ۸ فصل بوده و در ۲۷۳ صفحه به رشته تحریر درآمده است که ذیلاً با بیان خلاصه محتوایی کتاب مزبور، به نقد و بررسی آن می پردازیم.

خلاصه محتوایی

هدف اصلی کتاب حاضر، ارائه یک چارچوب تئوریک برای فهم و تجزیه و تحلیل نقش روحیه در جنگ های نسل چهارم و به خصوص تأثیر روحیه در سطح استراتژیک و در جنگ های نامتقارن است. در واقع، در حالی که مسأله

**هدف اصلی
کتاب حاضر، ارائه یک
چارچوب تئوریک برای
فهم و تجزیه و تحلیل نقش
روحیه در جنگ های
نسل چهارم است**

روحیه حتی در شرایط سیاسی و اجتماعی هم دارای بازتاب های نظامی می باشد، در این تحقیق تمرکز اصلی بر مسائل نظامی صرف است. در نهایت، نویسنده قصد دارد مدل جامعی براساس ادبیات موجود و آنچه وی به سهم خود بر آن می افزاید، برای سنجش تأثیر روحیه در جنگ بلند مدت و یا به عبارتی در سطح کلان و استراتژیک ارائه دهد.

سازماندهی کتاب با این رویکرد، طراحی شده است. البته در حالی که طبق

باید رعایت شود، در جنگ ایذایی شکل دیگری پیدا می‌کند. همین قضیه در مورد جنگ‌های نامتقارن و نیایی و یا برخورد با شورش‌های داخلی نیز صادق است. با وجود این، برای اطمینان از نیل به نتیجه از تمام منابع قدرت، اعم از سیاسی و

طرز تلقی افراد درخصوص آن را مورد مذاقه قرار دهد.

اصول جنگ‌های نسل چهارم و مؤلفه‌های مهم آن از دیدگاه نویسنده

در فصل چهارم، نویسنده به موضوع پویایی

| اصول | تعاریف |
|---------------|---|
| هدف | هدایت هر عملیات نظامی به سوی هدف مشخص، دقیق و قابل حصول |
| تهاجم | انحصار ابتکارات |
| گسترده | تمرکز بر کسب نتیجه براساس مزیت نسبی |
| مدیریت نیرو | اختصاص کمترین میزان نیرو برای اهداف ثانویه |
| مانور | قرار دادن دشمن در موقعیت ضعیف از طریق کاربرد منعطف نیروها |
| وحدت فرماندهی | اطمینان از کارایی فرماندهی برای رسیدن به هر هدف مشخص در قالب عملیات‌های مشترک و یا در قالب عملیات‌های مخصوص هر سازمان نظامی |
| امنیت | اجازه ندادن به دشمن برای کسب موقعیت بهتر غیر مترقبه |
| غافل‌گیری | حمله در زمان و مکان و به شیوه‌ای که دشمن آمادگی مقابله را نداشته باشد |
| سادگی | طرح‌های مشخص و ساده |
| خویش‌داری | کاهش آسیب‌های امنیتی و پیشگیری از کاربرد غیر ضروری قوه قهریه |
| محافظت | اطمینان از تمهید بخش‌های نظامی و غیر نظامی برای رسیدن به اهداف استراتژیک و حفاظت از آنها |
| مشروعیت | ایجاد و حفظ اراده دولت و دستگاه‌های نظامی برای رسیدن به اهداف استراتژیک |
| تصور افراد | پاسخگویی درباره عملیات‌های نظامی برای افراد ذیربط |

اقتصادی و نظامی باید بهره‌برداری کرد. بدیهی است فقط یک سیستم پویا و منعطف می‌تواند به راحتی و با توجه به بازخوردها خود را تغییر دهد. در این صورت نه تنها هزینه‌های رسیدن به هدف نیز کاهش می‌یابد، بلکه تصمیم‌گیری برای مسئولان نیز آسان‌تر و با چشم‌انداز مشخص‌تر و براساس منطق فازی خواهد بود و حتی در صورت ارتکاب خطا نیز تصحیح آن آسان‌تر انجام می‌شود. از نگاه نویسنده، وضعیت فوق متضمن

چارچوب سیستم‌ها می‌پردازد. در این راستا می‌نویسد چارچوب‌های مورد نظر، نشانگر ابعاد کیفی نبرد و درگیری می‌باشند که تجزیه و تحلیل عملکردها و بازخوردها را تسهیل می‌کند. زیرا آنچه در تئوری و یا در قالب قانون‌های جنگ بیان می‌شود باید به صورت عینی نیز مورد آزمون قرار گیرند تا میزان اعتبار و اطمینان آنها به طور جداگانه مشخص گردد. به عنوان مثال آنچه در مورد بکارگیری تسلیحات در یک جنگ تمام عیار بین دولتی

مدل های خطی و غیرخطی می توان و باید اندازه گیری کرد. به عنوان مثال در این مدل ها می توان تأثیر طول زمان یک درگیری و یا میزان تلفات را نسبت به افکار عمومی اندازه گیری کرد. نتایج آزمون افکار عمومی از حیث میزان تلفات در جنگ های سابق آمریکا مثل نبرد ویتنام نشان داده که تنها با افزایش تلفات جنگ، حمایت افکار عمومی از جنگ تا ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است. نظر سنجی ها نشان می دهند در جنگ افغانستان و عراق نیز حمایت افکار عمومی داخل آمریکا از حضور نیروهای نظامی این کشور در منطقه از ۲ تا شش درصد کاهش پیدا می کند.

البته فاکتورهای دیگری نیز از لجستیک نیروهای نظامی گرفته تا نوع عکس العمل و تعداد حملات نیروهای دشمن، میزان خسارات و تلفات وارده بر دشمن، رقابت های سیاسی انتخابات و بالاخره انعکاس خبری رخدادهای صحنه نبرد، بر افکار عمومی تأثیر می گذارد. از نظر نویسندگان، گزارش های خبری از تلفات و خسارات وارده بر نیروهای دشمن در جلب نظر مساعد افکار عمومی بسیار موثر هستند. همچنین، نویسندگان معتقد است برای کاهش آثار دست و پاگیر افکار عمومی در تصمیمات استراتژیک، می بایست مدیریت افکار عمومی را در دستورکار همیشگی قرار داد تا حمایت افکار عمومی از هر تصمیم و اقدامی حاصل شود.

در ادامه موضوع فصل قبلی، نویسندگان در دو فصل ششم و هفتم نیز همچنان بر موضوع روحیه تأکید می ورزد. تلاش نویسندگان در این دو فصل بر آن است تا با ارائه مثال هایی از جنگ عراق، مدلی برای

توجه به روحیه است. در هر مرحله از عملکرد سیستم، از تصمیم گیری تا اقدام و بررسی نتیجه، عامل روحیه بدان معنی که در سطوح فوق تعریف شد، برای رسیدن به هدف، نقش اساسی خواهد داشت.

موضوع فصل پنجم دیدگاهها و طرز تلقی افراد ذیربط در جنگ است. نویسندگان با نقل قولی از رئیس ستاد کل نیروهای مسلح آمریکا در زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ چنین می نویسند:

نقطه ثقل مسأله عراق در بغداد هست و نقطه ثقل مهم برای دشمنان ما، مردم آمریکا هستند و آنها سعی می کنند از طریق تأثیر بر فکر و ذهن مردم آمریکا رفتار ما را کنترل کنند. بنابراین در جنگ علیه تروریسم که یک جنگ بلند مدت

است، افکار عمومی نقش بسیار مهمی ایفا می کند؛ زیرا بازخورد هرگونه رفتار جنگی در افکار عمومی نمایان می شود. هرچه حمایت افکار عمومی از موضوعی قوی تر باشد؛ سیاستمداران و نظامیان با آسودگی خاطر می توانند منابع بیشتری برای آن تخصیص بدهند و البته برعکس این امر نیز صادق است. از دیدگاه نویسندگان، دشمنان آمریکا با آگاهی از این مسأله از طریق آن در مقابل آمریکا مانور می دهند. نویسندگان معتقد است حساسیت افکار عمومی را از طریق

هر چه حمایت افکار عمومی از موضوعی قوی تر باشد؛ سیاستمداران و نظامیان با آسودگی خاطر می توانند منابع بیشتری برای آن تخصیص بدهند

اهمیت این عامل با افزایش طول زمان درگیری و یا تلفات و ... مضاعف نیز می شود.

نویسنده در کتاب حاضر تلاش کرده با استفاده از نمونه های عینی جاری در عراق و افغانستان، به تبیین نقش و تأثیر روحیه در آخرین نسل از جنگ های نظامی و به خصوص ارتباط متقابل افکار و روحیات بخش های نظامی و غیرنظامی بپردازد. در این راستا، وی از نمونه های آماری و

فرمول های ریاضی برای اثبات دیدگاه و نظریات خود استفاده کرده است که این مطالعه را به مشاهده مستقیم و بررسی های رفتارگرایانه

نزدیک تر می کند. با وجود این، جای خالی تجزیه و تحلیل ها و مطالبی که بالطبع براساس دیدگاه دستگاههای

نظارتی حذف گردیده، بسیار محسوس است و شاید همین مسأله تا حدودی باعث اختلال در سازماندهی کتاب شده است. این موضوع به نوبه خود در فهرست بندی کتاب نمایان است. یا نویسنده در اول و آخر هر فصل، به جمع بندی های شکلی پرداخته که برای خواننده چندان مفید نبوده و اطلاعات و تحلیل محتوایی ارائه نمی دهد. با وجود این، مطالعه و بررسی کتاب حاضر نه تنها دیدگاههای ضمنی محافل فکری و حساس امریکا را بازتاب

مطالعه روحیه در جنگ ارائه کند. از نظر وی در تمام جنگ ها از تاریخ باستان تا روزگار حاضر و در جنگ های اطلاعاتی و روانی، روسای سیاسی و فرماندهان نظامی به عامل روحیه توجه داشته اند. هدف اصلی آنها از توجه به روحیه، نفوذ در افکار و قلوب مردم و نیروهای خودی در وهله اول و سپس مردم و نیروهای حریف در وهله بعدی برای رسیدن به پیروزی بوده است.

بالاخره نویسنده در فصل نتیجه گیری با بیان اهداف هر یک از فصول کتاب، توجه به روحیه را در بین نیروها و هم مردم غیرنظامی کشور درگیر در جنگ، از مشخصات مهم نسل چهارم جنگ ها می داند.

نقد و ارزیابی

همچنان که اشاره شد عنصر روحیه در تمام دوره های تاریخی در جنگ ها و برای کشورها، مهم بوده است و به رغم پیشرفت های تکنولوژیک و تولید جنگ افزارهای پیچیده و بسیار قوی، اهمیت این عنصر نه تنها کاسته نشده بلکه با پیشرفت های تکنولوژی ارتباطات، تأثیر روحیه را حتی گسترش داده است. امروزه برخلاف جنگ های قبلی که خبررسانی و بازتاب پیروزی ها و شکست های جنگ مدت مدیدی طول می کشید به گوش مردم عادی و غیرنظامی برسد، اکنون مردم بسیار زود از تحولات جنگ مطلع شده و به تبع آن تحت تأثیر قرار می گیرند. در نتیجه، هم روحیه نظامیان درگیر در جنگ و هم غیرنظامیان پشت جبهه، برای نیل به پیروزی حائز اهمیت است. همچنین،

در جنگ علیه تروریسم
که یک جنگ بلند مدت
است، افکار عمومی
نقش بسیار مهمی
ایفا می کند

| | | | | | | | | | |
|--|--|------------------------------|--|--|--|--|--|--|--|
| | | معرفی و تقدیم کتاب | | | | | | | |
| | | مدل سازی و تجزیه تحلیل روحیه | | | | | | | |
| | | نظامی در جنگ بلند مدت | | | | | | | |

می دهد، بلکه به لحاظ حرفه ای نیز توجه به عامل نیروی انسانی را که تکنولوژی نتوانسته از اهمیت آن بکاهد، به طور برجسته نشان می دهد. بر این اساس می توان گفت مطالعه و بهره برداری از آن به خصوص برای نظامیان و طراحان نظامی مفید فایده خواهد بود.

| | | | | | | | | | | | | | |
|---|--|--|--|--|--|--|--|--|--|-----|--|--|--|
| سال نهم □ شماره سی و چهارم □ پاییز ۱۳۸۹ | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | ۱۶۶ | | | |